

بسم الله الرحمن الرحيم

انوار الولاية

رضا قلی خان ہدایت

تصحیح: دکتر محمد ابراہیم ایرج پور

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

علیرضا ثابتی



انتشارات شکر

سرشناسه : هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، ۱۲۱۵-۱۲۸۸ق
 عنوان و نام پدیدآور : انوار الولایه/ اثر رضا قلی خان هدایت؛ تصحیح محمد ابراهیم ایرج پور، علیرضا ثابتی
 مشخصات نشر : همدان: انتشارات سکر، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۳۷۵ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۳۸-۰۱-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه
 موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۳ق.
 شناسه افزوده : ایرج پور، محمد ابراهیم، ۱۳۵۷-
 شناسه افزوده : ثابتی، علیرضا، ۱۳۵۳- مصحح
 رده بندی کنگره : PIR ۷۵۴۱ الف ۸ ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی : ۸ / ۵ / ۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۳۱۵۷۲

انوار الولایه

اثر: رضا قلی خان هدایت
 مصححان: دکتر محمد ابراهیم ایرج پور
 (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)
 علیرضا ثابتی
 ویراستار: زیبا اسماعیلی
 ناشر: انتشارات سکر
 چاپ و صحافی: سرافراز
 نوبت چاپ: اول
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۳
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۳۸-۰۱-۲
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۲۵۰۰۰ تومان

«همه حقوق برای ناشر و مؤلف محفوظ است»

بی شک بقای فرهنگی هر کشور و انتقال موارث گرانبهای که نسل به نسل از دیرباز تا به امروز امتداد یافته اند، به عصر حاضر و اهل این روزگار جز با مراجعه به آثار مکتوب و به یادگار مانده پیشینیان امکان پذیر نیست و در این راه تصحیح متون و احیاء کلیه آثار بازمانده از فرهیختگان و دانایان گذشته شاه کلید ورود به دنیای شکوهمندی است که پیشینیان ما آن را بنیاد کرده اند.

بزرگان ادب و فرهنگ این مرز و بوم همواره بر اهمیت و لزوم تصحیح و احیای نسخ خطی تاکید کرده اند و آن را جزو وظایف اولیه و فرائض عینی اهل ادب برشمرده اند که اینک برای نمونه شواهدی از سخنان ادبای بزرگ متاخر نقل می گردد:

استاد جلال الدین همای در مقدمه کتاب مصباح الهدایه می نویسند: «ملتی که آثار قدیم خود را در طاق نسیان بیندازد؛ مثلش، مثل مرد کاملی است که همه تجارب و دانسته های گذشته خود را فراموش کند، چنین مردی اگر صد سال عمر کرده باشد هنوز کودک نادان است.»

(همای، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه»، ص ۱۰)

مرحوم احمد گلچین معانی نیز معتقد است: «ما اگر بخواهیم فرهنگ اعصار و گذشته را بشناسیم، باید این نسخه های خطی، حفظ و حراست شوند تا بتوانیم از آنها استفاده بکنیم.»

(گلچین معانی، «تاریخ تذکره ها»، ۱۳۷۰، ص ۸)

آقای نجیب مایل هروی نیز در کتاب تاریخ نسخه پردازی به درستی نوشته اند: «بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه آن گاه مقدور می گردد که از پیشینه تاریخ تمدنش آگاه باشد و آن چه را از اسلاف بر جای مانده است با بینش علمی و انتقادی و به دور از هرگونه حب و بغض مذموم در اختیار گیرد، نقاط ضعف و علل ناتوانی های گذشتگان را دریابد و نقاط قوت و علل توانایی های آنان را بجوید.»

(مایل هروی، «تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی»، ص ۳۷۹)

پس از پیدایش صنعت چاپ و به ویژه آشنایی ادبای فرنگ رفته با اصول اولیه تصحیح نسخ خطی، اندک اندک آثار ارزشمند ادبی به زیور طبع آراسته شدند و جلوه گری آغاز نمودند؛ اما، هنوز به دلیل حجم انبوه آثار به جا مانده از روزگاران کهن تعداد قابل توجهی از این متون ارزشمند در گوشه گوشه کتابخانه های داخل و خارج گرد غربت بر تن دارند و اقبال تصحیح و چاپ بر آنها نشده است و به قول استاد فروزانفر در مقدمه کتاب سخن و سخنوران: «بعضی کتب فسانه سیمرغ است، نام آن همه جا مذکور و خود در میان نه و آنچه هست در جاهایی است که دسترسی به آنها مشکل است.»

لذا بایستی برای احیای آنها کوشید و بر غنای زبان و ادب فاخر فارسی افزود.

این دلایل مصححان را بر آن داشت تا برای گام برداشتن در مسیر تصحیح و احیای متون خطی مصمم گردند و در این میدان فراخ و ناپیدا کران، اثری ارزشمند از شاعری ارجمند برگزیده شد. اثری منظوم با محتوای مذهبی و ارزشی با نام «انوار الولاية» سرودهٔ ادیب، عارف و مورخ نامی عصر قاجار رضا قلی خان هدایت که به اقتضای مخزن الاسرار نظامی سروده شده است. جا دارد نخست به معرفی اجمالی شاعر این اثر و دیگر تالیفات او بپردازیم و در ادامه برای معرفی محتوایی انوار الولاية، نسخ موجود از آن، ویژگی‌های سبکی و نگارشی اثر و در پایان سیر مراحل و جزئیات تصحیح اهتمامی به عمل آریم.

زندگینامهٔ هدایت

در باب معرفی رضاقلی خان هدایت و آثار او، پیش از این مقاله ای به قلم نگارنده با عنوان «شناخت نامهٔ هدایت» در مجلهٔ آینهٔ میراث شمارهٔ ۴۶ بهار و تابستان ۱۳۸۹ انتشار یافت که تاکنون جامع ترین پژوهش در احوال و آثار این نویسنده، ادیب، مورخ، شاعر و رجل سیاسی نامدار عصر قاجار است و در این نوشتار اختصاری از آن مقاله ارائه می گردد:

رضا قلی خان طبرستانی ملقب به «لله باشی» از بزرگان عصر قاجار در قرن سیزدهم هجری است که دقت در قلم فرسایی و خدمات دیوانی و دفتری این ادیب و مورخ بزرگ عصر قاجار موجب شگفتی است. بی شک یکی از عوامل مؤثر در گمنامی بزرگانی چون هدایت افراط در توجه و پژوهش یک سویه در ادبیات پیش از مغول است. به همین دلیل چهرهٔ بسیاری از ادبا و نویسندگان دوران زند و قاجار و بالطبع آثار آنان مستور مانده است.

این یکسو نگری عام که تیغ تحقیر و تکفیر فرهنگی را همواره بر بخشی از بیکرهٔ تاریخ ما فرود آورده، متأسفانه از آستین نامداریانی برآمده که به عنوان مرجعیت ادبی در روزگار ما شناخته می شوند. این بزرگان اگرچه نزد همگان قابل احترام و تکریم اند و پژوهندگی و تلاش را باید از آنان آموخت ولی نادیده انگاری آثار پس از صفویه از سوی آنان پذیرفتنی نیست؛ زیرا از طرفی همواره در هر مقطع تاریخی شاعران و نویسندگان سرآمدی بوده اند که نام و آوازهٔ آنان در ذهن و ضمیر تاریخ به جا مانده است و ما با محکوم داشتن یک مقطع تاریخی مثلاً زند یا قاجار این بزرگان را به دست خود از ذهن

تاریخ می‌زداییم و از سوی دیگر هر بخشی از این بلند بالایی تاریخ ما چه دلخواه و چه نادرستند بخشی از تاریخ و هویت ما را تشکیل می‌دهد و باید آن را به عنوان مجموعه‌ای واحد شناخت.

شرح احوال هدایت

«ولادت هدایت در شب پانزدهم شهر محرم الحرام تخمیناً ساعتی قبل از طلوع فجر در سنه هزار و دویست و پانزده در دارالخلافه تهران واقع گردید.»

(هدایت، ریاض العارفین: ۶۰۱)

پدرش از بزرگان چارده کلاته از اراضی هزار جریب دامغان و سمنان و نامش هادی پسر اسماعیل کمال بوده است. هدایت در وقایع سال ۱۲۱۵ می‌نویسد: «والدم در رکاب نصرت مآب خاقان صاحب قران [فتح علیشاه] به سفر خراسان بود، در دارالخلافه تهران متولد شدم و چون پدر عزیمت روضه رضوی^(۱) داشت بدان مناسبت نام غلام آن حضرت را رضا قلی گذاشت». قلی در زبان ترکی به معنی غلام است پس معنی رضا قلی به حسب تقدم مضاف الیه بر مضاف، غلام رضا می‌باشد. بنابر نقل هدایت در «خرم بهشت، ص ۳۲۱» پدرش در کودکی ایشان رحلت می‌کند:

«به طفلی برفت از سرم چون سه سال پدر کردم از این جهان ارتحال»

پس از فوت پدر، هدایت همراه مادر خود به بار فروش نزد اقوام مادری می‌رود و در منظومه بحر الحقایق نیز به این سکونت چند ساله در مازندران اشاره دارد:

«گاه خردی به حکم نسبت مام شد به مازندران مرا آرام

بودم آنجا چو چند سال مقیم یادم آید همی ز عهد قدیم»

مادر هدایت نیز پس از ازدواج با محمد مهدی خان شهنه، عازم سفر خانه خدا می‌شود لیکن به نقل خود هدایت در ریاض العارفین، ص ۶۰۱: «در مدینه طیبه وفات یافت و در مقبره بقیع مدفون شد». هدایت در اواخر منظومه خرم بهشت که از سته ضروریه اوست، شرح حال مختصری از خود به دست می‌دهد و درباره رحلت مادرش چنین می‌سراید:

«ده و دو چو شد سال من لاجرم ز شیراز شد مادرم زی حرم

چو لختی در آن پاک تربت بماند به جان و جهان آستین برفشاند»

و بدین ترتیب او در دوازده سالگی از نعمت مادر نیز محروم می‌شود و نزد محمد مهدی خان شهنه تربیت و پرورش می‌یابد و در شیراز به تحصیل و تکمیل معلومات خود می‌پردازد و توفیق

خدمت و ملازمت والی فارس حسین علی میرزا فرزند فتح علیشاه و پسرش رضاقلی میرزا را می‌یابد و به واسطه همین خدمات، ایشان تخلص ابتدایی خود را «چاکر» برمی‌گزیند؛ اما، بعدها این تخلص را به «هدایت» بدل می‌کند. او در موقع سفر فتح علیشاه به اصفهان مورد توجه شاه قرار گرفت و به لقب «امیرالشعراپی» مفتخر گردید.

چون فتح علیشاه درگذشت به دربار محمد شاه راه یافت و به دلیل مأموریت یافتن نسبت به تربیت عباس میرزا از سوی ایشان (محمد شاه قاجار) در سال ۱۲۵۵ ه. ق به «لله باشی» شهرت یافت. وی در سال ۱۲۶۳ ه. ق، به حکمرانی فیروزکوه منصوب شد. پس از درگذشت محمد شاه و جلوس ناصرالدین شاه بر اریکه سلطنت، ابتدا وی توسط امیرکبیر به عنوان سفیر خوارزم منصوب می‌شود و سپس در سال ۱۲۶۸ ه. ق. پس از تأسیس دارالفنون از سوی ناصرالدین شاه به ریاست دارالفنون انتخاب می‌شود و تا ۱۸ سال این پست را عهده دار بوده است.

همسر هدایت - دختر شهنه - در سال ۱۲۸۸ ه. ق. از دنیا می‌رود و هدایت با پیشگویی، وفات خود را در همان سال خبر می‌دهد و حتی قطعه‌ای در وفات خود می‌سراید که از قلم مخبرالسلطنه خوه هدایت - به شرح زیر نقل شده است:

جهان سنج سرایی است نی سرای مقیم مقیمش از چه بسی زیست در نهایت رفت
هزار سال اگر بود کس در او به مراد که رحیل که می رفت با شکایت رفت
هم آن که داشت بسی طاعت و ثواب نزیست هم آن که داشت بسی جرم و بس جنایت رفت
جوان و پیر به حسرت بسان یکدگرند که هر که رفت به ناکام از این ولایت رفت
کسی به عقل و کفایت به روزگار نماند هزار زیبرک و با عقل و با کفایت رفت
هزار و دو صد و هشتاد و هشت رفته ز سال از این جهان به جهان دگر هدایت رفت
سرانجام رضا قلی خان هدایت در دهم ربیع الثانی سال ۱۲۸۸ ه. ق به دلیل بیماری استسقاء در تهران از دنیا می‌رود.

آثار و تألیفات هدایت

هر چند معرف رضا قلی خان هدایت آثاری چون: مجمع الفحصا، ریاض العارفین و روضه الصفای ناصری است ولی فی الواقع ایشان در سه زمینه: ادبیات، تاریخ و عرفان تألیفات عدیده‌ای دارد که به